

ISBN 978-964-88208-3-0
1785
Brazo, Michel
9789648820830
1771
9789648820830
1771
1785
1785

دگرگونی

یادداشتی درباره دگرگونی

در حدود سال ۱۹۵۰ گروهی از نویسندگان فرانسوی با دیدی انتقادی به تأمل در رمان پرداختند و شیوه‌های نوین در داستان‌نویسی پدید آمدند. در همان دوره شهرت یافت این نویسندگان اسرارآمیز و تخیلی را با نامی سارتر، میشل بوئور و مارگریت دوراس بودند. اسامی کار خود را بر حذف طرح داستان و شخصیت‌پردازی قرار دادند و در نتیجه در رمان خالی از قهرمان و بدون عمل و بدون ماجرای خود جایی برای تجزیه و تحلیل روانشناختی و بیان دگرگونی‌های اجتماعی باقی نگذاشتند اما در عوض به توصیف دقیق اشیاء روی آوردند که به نظر آنان می‌توانست به منزله شعری بودن از زندگی برگرداند. این است که جای این گروه واقعیت یا نگاه معمول و متداول متنی بنگرند، آن را از دیدگاه زمان

میشل بوئور

برگردان: مهستی بحرینی



انتشارات نیلوفر

میشل بوئور که در همه انواع ادبی از شعر و رمان گرفته تا نمایشنامه‌نویسی طبع آزمایی کرده است، در سال ۱۹۲۵ رمان دگرگونی را نوشت که پیش از دیگر آثارش با اقبال عموم روبرو شد. شاید ۱۹۲۸ میلادی رمان نگار به کاره با تصویری که خوانندگان از قرن گذشته و حتی پیش از آن رمان‌هایی که تا آن زمان نوشته شده‌اند، سه قرن گذشته از زمان نگارش این رمان رابطه نگرفته بود. در دگرگونی است‌های داستان‌نویسی و تصویرنامه انتشارات نیلوفر
www.koodneda.com



انتشارات نیلوفر

یادداشتی دربارهٔ دگرگونی

در حدود سال ۱۹۵۰ گروهی از نویسندگان فرانسوی با دیدی انتقادی به تأمل در رمان پرداختند و شیوه‌ای نوین در داستان‌نویسی پدید آوردند که به «رمان نو» شهرت یافت. این گروه که نمایندگان اصلی‌اش آلن رب‌گریه، تاتالی ساروت، میشل بوتور و مارگریت دوراس بودند اساس کار خود را بر حذف طرح داستان و شخصیت‌پردازی قرار دادند و در نتیجه در رمان خالی از قهرمان و بدون عمل و بدون ماجرای خود جایی برای تجزیه و تحلیل روانشناختی و بیان دگرگونی‌های اجتماعی باقی نگذاشتند اما در عوض، به توصیف دقیق اشیاء روی آوردند که به نظر آنان می‌توانست به منزلهٔ تصویری روشن از زندگی باشد. این نویسندگان می‌خواستند به جای اینکه به واقعیت با نگاه معمول و متداول سنتی بنگرند، آن را از دیدگاه زمان خود ببینند و ترسیم کنند.

میشل بوتور، که در همهٔ انواع ادبی از شعر و رمان گرفته تا نقد و مقاله‌نویسی طبع‌آزمایی کرده است، در سال ۱۹۷۵ رمان دگرگونی را نوشت که بیش از دیگر آثارش با اقبال عموم روبرو شد شاید به این علت که این رمان یکباره با تصویری که خوانندگان از قرن گذشته، و حتی با توجه به رمان‌هایی که تا آن زمان نوشته شده بود، از سه قرن گذشته از رمان داشتند قطع رابطه نکرده بود. در دگرگونی شخصیت‌های داستان، و به خصوص

شخصیت اصلی کم و بیش به خوبی توصیف شده‌اند و اگرچه بوتور در طرح داستان و نیز معرفی شخصیت‌ها تا اندازه‌ای از شیوه سنتی فاصله گرفته، آن‌قدرها هم از روش مألوف دور نشده است. از قصه آشنای مردی میانسال که درگیر ماجرای عاشقانه است و در انتخاب میان دو زن دستخوش آشفته‌گی و تردید، و نیز از توصیف خیال‌انگیز گردش‌های قهرمان داستان در رم رمانی پدید آمده است که برخلاف اکثر رمان‌های نو، خوانندش آسان و دلپذیر است. بوتور به نگارش رمان به چشم کوششی برای رمزگشایی از واقعیتی پیچیده می‌نگرد. این واقعیت در رمان‌های دیگر او بیرونی و عینی است اما در دگرگونی به رمزگشایی از واقعیتی درونی پرداخته است. در این کتاب، مردی محصور در کوبه‌ای درجه سه یک قطار، در طول سفر بیست و دو ساعته خود از پاریس به رم، با خیال‌پردازی و اندیشیدن درباره گذشته، حال و برنامه‌های آینده خود به کندوکاو در وجدان خویش می‌پردازد و همین امر به تغییر پنهانی و تدریجی عقیده و احساس او می‌انجامد.

لئون دلمون، قهرمان داستان، در واگنی که او را با خود می‌برد محصور است و خواننده در اندیشه‌ها و در ضمیر او. سراسر کتاب به صیغه دوم شخص نوشته شده و در نتیجه، همذات شدن خواننده با قهرمان کتاب چنان است که گویی خود او در این قطار نشسته و همراه با نوسان‌های آن در اندیشه‌های خود فرو رفته است و رویدادهای گذشته و حال زندگی خود و برنامه‌هایی را که برای آینده دارد یک به یک مرور می‌کند زیرا اگرچه راوی با خود از خود سخن می‌گوید، در واقع «شما» ترکیبی از «من» است که خود را زیر نظر گرفته، و از «او» که زیر نظر گرفته شده است.

این رمان را نمی‌توان در شمار رمان‌های روانشناختی قرار داد چون لئون دلمون هرگز به علل یا انگیزه‌های اعمال و رفتار خود و آنچه او را به عدول از تصمیم خویش واداشته است نمی‌اندیشد. همه خاطره‌ها و برنامه‌هایش در قالب تصاویر در نظرش مجسم می‌شود، تصاویری از سفرهای پی در پی‌اش

به رم یا پاریس که در آن‌ها خیال‌ها و اندیشه‌های مربوط به این دو شهر درهم می‌آمیزد. اما اگر از دید روان‌شناختی به تأمل در تخیلات و تفکرات او در طول سفر بپردازیم به این نتیجه می‌رسیم که چنانچه معشوقه‌اش سیل از رم به پاریس بیاید و با او زندگی کند همه لطف و جذابیت خود را در چشم او از دست خواهد داد و شهر رم نیز چنانچه گریزگاهی برای عشقی پرشور نباشد، همین حال را خواهد داشت.

برخلاف انتظار، لذت‌بخش‌ترین تصویری که به اندیشه قهرمان داستان راه می‌یابد تصویر اتاق سسیل نیست که در آنجا، طی اقامت‌های کوتاهش در رم، لحظات خوشی را با او سپری می‌کند بلکه تصویر خیابان‌ها، میدان‌ها، کلیساها و بناهای تاریخی رم است چنانکه گویی عشق او به سسیل دستاویزی برای بهره‌گیری از عشقی بزرگ‌تر، عشق به رم، بوده است. توصیف طولانی و عاشقانه‌ای که از رم می‌کند به خوبی آشکار می‌سازد که او روح این شهر را بیشتر از جسم معشوقه خود دوست می‌دارد. می‌توان گفت که لئون دلمون عاشق سسیل نیست بلکه دل‌باخته رم و گشت و گذاری است که سسیل امکان آن را در این شهر برایش فراهم می‌آورد.

در واقع شخصیت‌های اصلی دگرگونی رم و پاریس هستند. دلمون در میان همسر و معشوقه‌اش دودل نمانده، او در انتخاب میان پاریس و رم به تردید افتاده و این دودلی ناشی از کشش مرموز و بی‌اختیاری است که نسبت به رم احساس می‌کند. در دیگر آثار بوتور نیز با جاذبه شهرها و مکان‌ها و تأثیر آن‌ها بر شخصیت‌های رمان روبرو می‌شویم. بوتور خود از این ویژگی آگاه است و از آن به «روح مکان» تعبیر می‌کند.

بدین ترتیب، آنچه به نظر می‌رسد که «فضا» یا «محیط» داستان باشد اهمیت بیشتری از شخصیت‌های آن می‌یابد. با این همه، به نظر منتقدان، عیث بوتور نخستین کسی نیست که از شرح ماجراهایی که میان افراد می‌گذرد و یا از شرح پیچیدگی روابط و مشکلات روحی آنان دوری